«هیفاء ابوغزاله»، معاون دبیرکل اتحادیه عرب:

رسانه‌ها به افراط‌گرایی در خاورمیانه دامن نزنند

«هیفاء ابوغزاله»، معاون اطلاع‌رسانی و ارتباطات دبیرکل اتحادیه عرب «احمد ابوالغیط» است. او که سال گذشته میلادی لقب بهترین فرستاده عرب را به خود اختصاص داد، معتقد است رسانه‌ها نقش مهمی در توسعه فعالیت گروه‌های تروریستی یا مقابله با آنها دارند. او جایی گفته بود ۹۰ درصد فعالیت‌های تروریستی در فضای اینترنت، از طریق شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. بنابراین نیمی از نبرد با تروریست‌ها در میدان جنگ و نیمی دیگر در شبکه‌های اجتماعی است که صورت می‌گیرد. به گفته او، گروه‌های تروریستی به صورت رایگان از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند تا فرهنگ هراس‌آفرینی و خشونت‌ورزی را ترویج کنند. به‌همین‌دلیل او از شبکه‌هایی مثل فیس‌بوک می‌خواهد تمام فعالیت‌های افراط‌گرایی را متوقف کنند. ابوغزاله همچنین معتقد است سقوط بعضی از دولت‌های عرب در سال ۲۰۱۱ منازعات داخلی و دخالت‌های خارجی و منطقه‌ای را موجب شد و هم‌اکنون امت عربی نیازمند دیدگاهی است که در درجه اول بتواند تناقضات داخلی خودش را حل کند. مصاحبه روزنامه الاهرام را با او می‌خوانید:

نزاع‌ها و آشوب‌های موجود در تعدادی از کشورهای عرب را چگونه می‌بینید. اینها تا چه حد امنیت کلی اعراب را تهدید می‌کند؟

منطقه درحال‌حاضر شاهد انواع و اقسام منازعات و بحران‌هایی است که امنیت ملی کشورهای عرب را تهدید می‌کند. اینها نشان از تغییرات بزرگی در منطقه می‌دهد. این بحران‌ها چنان تنوع و شدتی دارند که اکثر کشورهای عرب به‌تنهایی قادر به مقابله با آنها نیستند. بنابراین باید با یک کار جمعی با این بحران‌ها مقابله کرد. بعضی از کشورها همچنان از اشغال یا دخالت خارجی رنج می‌برند. از اینها گذشته خطر جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی همچنان وجود دارد. شیوه‌های افراط‌گرایی و خشونت‌های ناشی از آن نیز دولت‌های خارجی را به طمع انداخت و همه اینها دست‌به‌دست هم داد تا بحران‌ها تشدید شود.

چه راه‌حلی وجود دارد؟

ما احتیاج به یک دیدگاه فکری مشترک داریم که در درجه اول تناقضات بین هویت‌های مختلف را در کشورها و ملت‌های عرب حل‌وفصل کند. به گونه‌ای که وابستگی و وفاداری به یک وطن و میهن را بر رویکردها و گرایشات تنگ‌نظرانه فرقه‌ای و گروهی ترجیح دهد. این را همه می‌دانند که کشورهای عرب و مسلمان درگیر بحران‌های شدیدی هستند. اصلا باید گفت اکثر نزاع‌ها و بحران‌های جهان در همین کشورها جمع شده است. اینها از مسئله اشغال فلسطین شروع شده تا حضور سازمان‌های افراط‌گرا و تشکل‌های تروریستی که امروزه شاهد آنها هستیم، امتداد پیدا می‌کند. افراط‌گرایی و طایفه‌گرایی اثری منفی بر بسیاری از کشورهای عرب گذاشته است.

رسانه‌های عرب در این میان چه نقشی دارند. برخورد آنها با این آشوب‌ها چگونه است؟

منطقه شاهد یک آشفتگی رسانه‌ای است. این آشفتگی زاییده دو موضوع دیگر است؛ یکی ورود افراد غیرمتخصص به حوزه رسانه‌ها که بتوانند برنامه‌هایی تأثیرگذار تولید کنند و دیگری شبکه‌های اجتماعی مجازی. ما امروز در برابر پدیده شهروند- روزنامه‌نگار قرار داریم. بنابراین هرکس از طریق حساب‌های کاربری خودش هرچه را می‌بیند و می‌شنود منتشر می‌کند. بسیاری از خبرهایی که از سوی این شبکه‌ها منتشر می‌شود غیردقیق و نادرست است. روزنامه‌نگاران باید مراقب باشند تا در دام اینها نیفتند؛ در دام خبرها و گزارش‌ها و اطلاعاتی که از منابع غیرموثق منتشر می‌شود.

منظورتان این است که رسانه‌های غیررسمی در تشدید این منازعات و آشوب‌ها دست دارند؟

بله، حتما. باید رسانه‌های منطقه ما نقشی مثبت داشته باشند. باید پیام‌های مثبتی را منتشر کنند. نقشه راه توسعه رسانه‌ها تا سال ۲۰۳۰ می‌گوید رسانه‌ها باید نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشند. رسانه‌ها با وضعیتی که اکنون دارند، نمی‌توانند چنین نقشی را بازی کنند. چون به جای توجه به مسائل اقتصادی و توسعه عمدتا به مسائل سیاسی توجه می‌کنند. کشورهای عرب نیازمند تمرکز روی مسائل اجتماعی، توسعه و مسائل اقتصادی هستند؛ به‌ویژه همان‌طور که گفتم، عمده‌ترین بحران‌های ما بحران‌های ناشی از مشکلات و مصائب اقتصادی و اجتماعی است.

با این بحران‌ها به لحاظ رسانه‌ای چگونه می‌توان برخورد کرد؟

مدیریت بحران یکی از مظاهر تعامل انسانی با شرایط فوق‌العاده یا غیرمنتظره است. مجموعه‌ای از عوامل وجود دارد که می‌تواند بر مدیریت بحران‌ها تأثیری منفی بگذارد. یکی از آنها فقدان اطلاعات است. دیگری عدم تعیین گروه هدف است. سوم فقدان یک استراتژی رسانه‌ای مشخص. رسانه‌ها را قدرت چهارم (رکن چهارم) نامیده‌اند، اما به نظر من از بقیه ارکان قدرتمندتر است. اثر رسانه‌ها از طریق هدایت افکار عمومی یک جامعه در خلال بحران‌ها صورت می‌پذیرد. نقش آنها از طریق روندهای تبلیغاتی مشخص می‌شود. در بحبوحه بحران‌هاست که از همه ابزارهای تکنولوژیک موجود برای این اثرگذاری باید استفاده شود. کارشناسان رسانه توانمندی‌های سهمگینی را برای ابزارهای ارتباط جمعی برمی‌شمارند. اینها نقش فوق‌العاده‌ای در مدیریت بحران‌ها و فجایع طبیعی دارند.

ریشه نابسامانی‌های جهان عرب چیست؟

شدت بحران‌ها در منطقه موجب پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی خطرناکی شده است. جهان عرب با چالش‌های متعددی مواجه است که بخشی از آنها موروثی بوده و به چند دهه قبل برمی‌گردد کمااینکه تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای نیز واقعیت‌های جدیدی را به وجود آورد. انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ بر حجم این چالش‌ها و بحران‌ها در منطقه افزود و به صورت بی‌سابقه‌ای به مجموعه‌ای از آشوب و بی‌ثباتی‌ها منجر شد. سقوط برخی از دولت‌های مستقر موجب بروز نزاع‌های داخلی و درعین‌حال دخالت‌های خارجی از سوی بعضی از دیگر کشورها شد کمااینکه یک خلأ امنیتی و سیاسی را به وجود آورد تا شرایط را مطلوب گروه‌های تروریستی کند. امنیت ملی و بین‌المللی این کشورها از بین رفت و به طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اجازه داد تا از این شرایط به نفع خود بهره‌برداری کنند.

> **منطقه شاهد یک آشفتگی رسانه‌ای است. این آشفتگی زاییده دو موضوع دیگر است؛ یکی ورود افراد غیرمتخصص به حوزه رسانه‌ها که بتوانند برنامه‌هایی تأثیرگذار تولید کنند و دیگری شبکه‌های اجتماعی مجازی. ما امروز در برابر پدیده شهروند-روزنامه‌نگار قرار داریم**

موضع رسانه‌ها در این میان چگونه است؟

رسانه‌های عرب در شرایط کنونی با چالش‌های دشواری مواجه هستند و این تصمیم‌گیری‌های سختی را از سوی نهادهای مرتبط با آنها می‌طلبد. لازم است به رسانه‌های عربی در پرتو داده‌های کنونی نگریسته شود. یعنی شرایطی که به تحول و تغییر این واقعیت منجر شود. رسانه‌ها نقشی محوری در بحران‌های منطقه عربی در دوره اخیر داشته‌اند. آنها همیشه ابزاری مهم برای تغییرات بوده‌اند. همیشه در زمینه تأثیرگذاری بر افکار عمومی و هدایت آن نقش داشته‌اند. به‌گونه‌ای که رسانه کارش فقط انتقال خبر یا نقل رویدادها نبوده است، بلکه نقشی همه‌جانبه در سطوح مختلف داشته است.

اتحادیه عرب دراین‌باره چه می‌کند؟

اتحادیه عرب اهمیت و ضرورت تعامل با بحران‌ها را درک می‌کند و از سال ۲۰۰۹ تاکنون در این زمینه تلاش کرده است. در آن سال یادداشت تفاهمی با اتحادیه اروپا در چارچوب طرح «مالتا» امضا شد که همکاری عربی - اروپایی را در حوزه هشدار و پاسخ‌گویی نسبت به بحران‌ها تأمین می‌کرد. آنها توافق کردند برای پیشگیری از منازعات، ارزیابی مخاطرات و ایجاد صلح با هم همکاری کنند. همچنین آنها توافق‌نامه دیگری را در سال ۲۰۱۰ به امضا رساندند که به منظور اجرای طرح مشترک با اتحادیه اروپا با عنوان «تقویت توان اتحادیه عرب برای پاسخ‌گویی به بحران‌ها» بود. دراین‌باره دبیرکل اتحادیه عرب تصمیم گرفت اداره‌ای را برای مقابله با بحران‌ها در چارچوب ساختار سازمانی دبیرخانه خود تأسیس کند.

دراین‌میان چه کاری از رسانه‌ها برمی‌آید؟

رسانه‌ها از طریق هدایت افکار عمومی تأثیر خودشان را می‌گذارند. ما می‌دانیم نفوذ رسانه‌ها در جهان یکی از مهم‌ترین نیروها برای شکل‌دادن به رفتارها، ارزش‌ها و روابط انسانی و فرهنگی است. در مقابل، وسایل ارتباط جمعی ممکن است حالتی از آشفتگی ذهنی را به وجود آورند. به‌خصوص وقتی که هر شهروندی به منبع اطلاعات و اخبار غیرموثق تبدیل شود. اینها حالتی از آشفتگی درهم‌ریخته‌ای را به وجود آورده و به شایعات میدان می‌دهد. آنها گاه پیام‌های توخالی منتشر می‌کنند و موجب خوف شهروندان می‌شوند. اینجا ما نیازمند ابزارهایی هستیم که بتواند جلوی این اثرگذاری‌های منفی را بگیرد.

دووجهی‌بودن بعضی عبارت‌ها بیانگر بحران‌های موجود در جامعه ماست. چگونه باید با این پدیده برخورد کرد؟

کشورهای خاورمیانه به‌طورکلی در مسائل فکری، فرهنگی و نحوه درک‌شان از دین، هویت ملی و قومی یکسان هستند. این حالت دووجهی را در بسیاری از بحران‌های ملی و منطقه می‌توان مشاهده کرد. بارها این عبارت‌ها را می‌شنویم «وطن‌پرست - خائن»، «با ما - بر ما»، «مؤمن - کافر»، «طرفدار- مخالف» و اینها همه آفتی برای جوامع ماست. به شکل خاص این نخبگان رسانه‌ای هستند که از طریق تحلیل‌های سیاسی خود به این دووجهی‌بودن دامن می‌زنند. به‌این‌ترتیب رسانه به جای اینکه منتقل‌کننده رویداد باشد و آن را پیگیری یا تحلیل کند، خود به پدیدآورنده رویداد تبدیل شده است. این دووجهی در دل بحران ملی ما جا خوش کرده و به مثابه نقیض هویت قومی ما عمل می‌کند. به همین دلیل است که وابستگی به این فرقه یا آن طایفه بر وابستگی به یک دین واحد یا ارزش‌های دینی مشترک رجحان می‌کند.

رسانه‌ها چگونه می‌توانند به نقش‌شان عمل کنند؟

این پدیده همه جهان را آزرده می‌کند. تروریست‌ها از پیشرفت‌های تکنولوژیک در رسانه‌های اجتماعی سوءاستفاده می‌کنند تا به این وسیله تفکرات افراطی خود را انتشار دهند و جوانان را برای الحاق به خودشان سازماندهی کنند. باندهای تروریستی به‌خصوص داعش به وسیله همین رسانه‌ها بود که توانستند تصاویر هولناک خود را به سراسر جهان بفرستند. با استفاده از جدیدترین تکنیک‌ها فیلم‌های هولناکی را تولید کرد که هدفش فقط ارعاب مردمان بود. بنابراین رسانه‌ها مسئولیت بزرگی دارند تا به همان روش و به دور از کنفرانس‌ها و سمینارها با این‌گونه تفکرات مقابله کنند.

اتحادیه شما دراین‌باره چه کرده است؟

اتحادیه عرب منشورهای متعددی را از طریق شورای وزرای رسانه‌ای عرب منتشر کرد. مثل منشور شرافت رسانه‌ای و استراتژی رسانه‌ها برای مقابله با تروریسم. این منشور مطابق با رخدادهای جدید و تغییرات پیش‌آمده بازنویسی شد. بااین‌حال هر کشوری از طریق رسانه‌های خودش موظف است با تروریسم مقابله کند.

نقش کمیته دائمی رسانه‌ها در اتحادیه عرب چیست؟

کمیته دائمی رسانه‌های عربی در چارچوب کمیته‌های موجود در شورای وزرای رسانه‌ها تعریف می‌شود. این کمیته مدتی بود فعالیت نمی‌کرد. اما از وقتی من مسئولیت آن را برعهده گرفتم، دیدم باید از نو فعال شود.

نقش منفی رسانه‌ها در متزلزل‌کردن امنیت فکری و اخلاقی مردم منطقه را توضیح بدهید؟

متأسفانه بعضی رسانه‌ها کارشان همین است. برای مثال وقتی اشغالگران اسرائیلی مانع برگزاری نماز فلسطینی‌ها در مسجدالاقصی شدند، شما دیدید اکثر رسانه‌های ما تصاویر مربوط به قبه‌الصخره را به جای مسجدالاقصی منتشر کردند و این یک اشتباه بزرگ بود. ما باید مراقب توطئه‌گری رسانه‌های اسرائیلی باشیم. چون رسانه‌های این رژیم تمام تلاش‌شان این است که اذهان را از مسجدالاقصای واقعی دور کنند.

اقدامات اسرائیل درباره مقدسات اسلامی در بیت‌المقدس به شرایط خطرناکی رسیده است. انتظار دارید رسانه‌ها در دفاع از فلسطینی‌ها چه کنند؟

ضرورت دارد توجه کنیم که مقامات اسرائیلی وقتی وارد مسجدالاقصی شدند اسناد تاریخی داخل آن را با خود بردند؛ اسنادی که دلالت بر مالکیت فلسطینی‌ها بر این مکان مقدس می‌کند. این گامی برای استیلا بر همه آن چیزی است که در داخل بیت‌المقدس به فلسطینی‌ها تعلق دارد. ما از شورای رسانه‌های اتحادیه عرب خواستیم با استراتژی اسناد به غارت برده‌شده موافقت کند. این توهینی به همه مسلمانان و مقدسات‌شان است. باید رسانه‌ها بسیار بیشتر به این امور بپردازند. قدس صرفا برای ما نیست، بلکه به مقدسات همه مسلمانان تعلق دارد.

نگاه

تأسف برای ترامپ

عبدالباری عطوان، تحلیل‌نویس مشهور عرب، در مقاله‌ای در روزنامه مستقل رأی‌الیوم می‌نویسد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، باید از سر تأسف به این دلیل که روی شکل‌گیری ائتلاف میان کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس و کشورهای عربی حساب باز کرده بود، دستش را روی دستش بگذارد؛ او می‌خواست این ائتلاف با تهدیدهای ایران در مرحله پساداعش در سوریه و عراق و همچنین با نفوذ ایران در این دو کشور مقابله کند. شبکه العربیه، شاخه رسانه‌ای قوی ائتلاف چهارجانبه (عربستان، امارات، بحرین و مصر)، علیه قطر بیانیه دولتی فوری را منتشر کرد که تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر، تماس تلفنی با محمدبن‌سلمان، ولیعهد عربستان، برقرار کرده و آمادگی خود را برای مذاکره با نمایندگان کشورهای تحریم‌کننده و بررسی خواسته‌های آنها به گونه‌ای که منافع همگان را حفظ کند، ابراز کرده است.

این خبر نوعی خوش‌بینی را جهت نزدیک‌بودن پایان این بحران به وجود آورد اما این شادی تکمیل نشد و در کمتر از یک ساعت، همان شبکه العربیه خبری را مبنی بر اتخاذ تصمیمی از سوی عربستان برای توقف تمامی تماس‌هایش با قطر منتشر و اعلام کرد تا زمانی که قطر موضع واقعی خود را اعلام نکند، برقراری تماس به حالت «تعلیق» درمی‌آید. پس از آن، تحلیلگران عربستانی و مصری در شبکه العربیه حضور یافتند و به‌شدت قطر را مورد انتقاد قرار دادند و گفتند تمیم بن‌حمد در قطر تصمیم‌گیرنده اول و آخر نبوده و این کشور در حل بحران جدی نیست. «اسم شبی» که باعث این موج خشم عربستان شد، شبکه الجزیره بود؛ به همین دلیل این چهار کشور در رأس فهرست خواسته‌های ۱۳گانه‌شان بستن شبکه الجزیره را مطرح کردند. الجزیره بیانیه‌ای رسمی درباره «تماس‌ها» میان تمیم بن‌حمد و محمد بن‌سلمان براساس هماهنگی از سوی دونالد ترامپ منتشر کرد. الجزیره اعلام نکرد این امیر قطر بوده که به این تماس مبادرت ورزیده است و این‌گونه القا کرد که این تماس‌ها در راستای پاسخ به تلاش‌های دونالد ترامپ برای حل بحران صورت گرفته است و اینکه هر گفت‌وگویی در آینده در شرایط احترام به حاکمیت کشورها صورت خواهد گرفت. پس از آن، بحران میان کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس به خانه اول بازگشته و میزان اعتماد میان طرف‌های آن به کمترین سطح کاهش یافته است و فرصت‌های سازش‌های سیاسی در آینده‌ای نزدیک از بین رفته است مگر اینکه قطر پرچم سفید را به نشانه تسلیم‌شدن بالا ببرد و امیر این کشور به ریاض رفته و خواهان بخشودگی شود و ما معتقد نیستیم وی این کار را دست‌کم در روزهای آتی انجام دهد. صباح‌الاحمد الجابرالصباح، امیر کویت، در جریان سفرش به واشنگتن و نشستش با رئیس‌جمهور آمریکا خواست که آمریکا قویا در ابتکار عمل کویت نقش داشته باشد اما این امر کاملا نتایج عکس داد و مداخله رئیس‌جمهوری آمریکا و گفت‌وگوهای تلفنی او با رهبران عربستان، امارات و قطر به پیچیده‌ترشدن بحران انجامید و این ضرب‌المثل بر وی انطباق می‌یابد: «خواست ابرویش را درست کند چشمش را کور کرد». این بحران و تحولاتش ثابت کرد هیچ‌یک از کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس یا حتی کشورهای عربی حاکمیت ندارند، بلکه این کاخ سفید است که حاکمیت واقعی را در اختیار دارد و هرگونه صحبت مغایری با موضع کاخ سفید به‌منزله فریب‌دادن خود است. بعید نمی‌دانیم دونالد ترامپ مستقیما در روزهای آتی درباره این بحران وارد عمل شود و راه‌حل‌های خود را بر همه طرف‌ها تحمیل کند یا اینکه جانبدار یک طرف علیه طرف دیگر باشد و احتمال این امر بیشتر است که وی جانب طرفی را بگیرد که از لحاظ مالی قوی‌تر است و قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری دارد و توانایی بیشتری را برای درک طرز تفکر بازرگانان دارد.

منبع: ایسنا

یادداشت

نتیجه ویرانگر یک همه‌پرسی

زیدالعلی لویا خطیب . ترجمه: بهاره محبی

اوایل ماه گذشته (میلادی) بود که رئیس اقلیم کردستان عراق اعلام کرد جمعیت کرد عراق آماده هستند تا درباره استقلال این منطقه همه‌پرسی برگزار کنند. صحبت از استقلال کردستان عراق است؛ ایده‌ای که همواره به لحاظ اقتصادی و سیاست‌های جامعه جهانی غیرواقعی و نشدنی به نظر می‌رسد. اما حال مسعود بارزانی، کسی که ریاست منطقه اقلیم کردستان را در دست دارد، تصمیم گرفته شانس خود را بیازماید.

این همه‌پرسی قرار بود ۲۰۱۴ برگزار شود، اما به‌دلیل مشکلات بسیاری که برای اجرای این ایده وجود داشت، به تعویق افتاد. سال ۲۰۱۵ بود که یک همه‌پرسی غیررسمی برگزار شد و حدود ۹۸ درصد از کسانی که در این رأی‌گیری شرکت کردند به استقلال کامل اقلیم کردستان از عراق رأی دادند. مانند هر بحران دیگری در عراق از این مشکل نیز می‌شد جلوگیری کرد اگر سیاست‌مداران عراقی کمی عاقلانه‌تر رفتار می‌کردند اما متأسفانه امروز هر دو طرف گرفتار سوءتفاهم هستند و مشاوران خارجی نیز نقش زیادی در مه‌آلودکردن این فضا دارند.

تمام داستان درباره کنترل منابع نفتی است. پیش از ۲۰۰۳، حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی جاه‌طلبی کمتری داشت؛ تنها خواسته او تقسیم مساوی درآمدهای نفتی و گازی از سوی دولت مرکزی در بغداد بود. اما پس از حمله آمریکا به عراق، مشاوران خارجی به اربیل توصیه کردند صرف‌نظر از اینکه دولتمردان عراقی در بغداد چه ایده‌ای دارند، این صرفا دولت اقلیم کردستان است که مسئول استفاده از منابع نفتی و گازی منطقه خود است. از این پس بود که مذاکره‌کنندگان دولت اقلیم کردستان با سوءاستفاده از خلأهای قانون اساسی ۲۰۰۵، تلاش کردند بندهایی را تغییر داده تا تفسیر به رأی کنند. برای مثال، با سوءاستفاده از ماده ۱۱۲ قانون اساسی که در آن اعلام شده بود «چاه‌های نفت فعلی عراق باید تحت اداره مشترک دولت مرکزی بغداد و اقلیم باشد» مدعی شدند چاه‌های جدید مشمول این قانون نشده و می‌تواند تحت مدیریت و کنترل دولت اقلیم کردستان باشد. قرار بود نتیجه این استراتژی، آغاز دوره شکوهمندی برای اقلیم باشد اما حاصل چیزی جز هرج‌ومرج سیاسی و ویرانی اقتصادی نبود.

موضع بغداد همواره این بوده که منابع نفتی و گازی باید تحت کنترل دولت مرکزی باشد. بنا براین از آنجایی که بغداد به‌شدت تفسیر دولت اقلیم کردستان از قانون اساسی را رد می‌کرد، تقابل میان دو طرف غیرقابل اجتناب به‌نظر می‌رسید.

در سال‌های اولیه پس از تصویب قانون اساسی، قیمت نفت در بازارهای جهانی ۶۵ دلار بود و سهم اربیل از منابع نفتی و گازی چشمگیر. در این مدت بغداد هیچ پرسشی درباره چگونگی هزینه‌شدن این پول نداشت. از طرف دیگر سفر شمار زیادی گردشگر به اقلیم کردستان باعث شده بود سود زیادی را به جیب تجار کرد بریزد.

در همین زمان بود که اربیل به چندین شرکت خارجی سفارش داد تا به‌دنبال کشف منابع نفتی جدید باشند. برخی از منابع نفتی به وسیله شرکت‌های ترکیه‌ای و برخی از سوی شرکت‌های محلی در اقلیم کردستان کشف و چاه‌های جدید حفر شد؛ منابعی که براساس تفسیر اربیل از ماده ۱۱۲ قانون اساسی عراق می‌توانست تحت کنترل و مدیریت اقلیم کردستان (و نه دولت عراق) باشد. در این مدت بغداد ترجیح می‌داد با توجه به اینکه مسئله رسما اعلام نشده، این تحولات را نادیده بگیرد. دوران شکوفایی کردستان عراق کوتاه بود. در اواخر ۲۰۱۳ دولت اقلیم یک خط لوله صادرات نفت به ترکیه را افتتاح کرد. اقلیم کردستان با افتتاح این خط لوله خود را به رقیبی برای دولت عراق تبدیل و به این ترتیب سیاست بین‌المللی نفتی بغداد را تضعیف کرد. بنابر این دولت عراق در واکنش به این اقدام، سهم اربیل از بودجه فدرال که از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز تأمین می‌شد را به‌دلیل تلاش این منطقه برای درپیش‌گرفتن سیاست‌های مستقل نفتی قطع کرد. آنچه شرایط را بدتر کرد، متوقف‌شدن چرخ صنعت گردشگری عراق پس از حمله داعش به موصل و کاهش دوسومی بهای نفت در بازارهای جهانی بود.

هزینه‌های دولت اقلیم کردستان بسیار بالا رفت. اربیل حالا حدود ۳۰ میلیارد دلار بدهی داشت؛ دانشگاه‌های دولتی در این منطقه تعطیل شدند و دولت اقلیم قادر نبود سهم سرمایه‌گذاران خارجی را بپردازد و به همین دلیل بخش زیادی از شرکای خارجی خود را از دست داد. فقر و مهاجرت اقتصادی به‌طور چشمگیری افزایش یافت. با وجود اینکه نظام سیاسی در اربیل کارایی خود را از دست داده بود، مسعود بارزانی به‌عنوان رئیس دولت اقلیم کردستان حاضر نشد از قدرت کناره‌گیری کند؛ آن‌هم در شرایطی که یک سال از مدت قانونی زمامداری وی گذشته بود. با افزایش مخالفت‌های نمایندگان، پارلمان در سال ۲۰۱۵ منحل شد و اختلافات داخلی سیاسی به اوج خود رسید. دولت اقلیم کردستان نیازمند یک راه‌حل فوری بود اما گزینه‌های خوبی در پیش نداشت. پس به توصیه مشاوران خارجی تصمیم گرفت تا به‌عنوان راهی (هرچند موقت) برای آرام‌کردن تنش‌ها، همه‌پرسی استقلال را برگزار کند. برخی حامیان این طرح، منطقه کردستان را با کاتالونیا یا اسکاتلند مقایسه کردند؛ غافل از اینکه چنین مقایسه‌ای با توجه به ثروت و ثبات پایدار کشورهای غربی، قیاس مع‌الفارقی بود که دولتمردان اربیل در آن گرفتار آمدند. بارزانی اعلام کرد این همه‌پرسی قرار است که آزادی را برای کردها به ارمغان بیاورد اما مشخص نکرد چگونه همه‌پرسی استقلال می‌تواند کردهای معمولی را بیش از گذشته آزاد کند آن‌هم در شرایطی که نهادهای مالی معتبر بین‌المللی با توجه به شرایط فعلی اقلیم کردستان به‌هیچ عنوان تشکیل یک کشور مستقل کردی را تأیید نمی‌کنند. از آن بدتر اینکه، شرایط امنیتی اقلیم کردستان بسیار شکننده است. کشور آینده کُردی که اقلیم کردستان امیدوار است تا تشکیل شود، شامل کرکوک و مناطقی خواهد شد که ترکیبی از مذاهب و اقوام گوناگون هستند. همه‌پرسی نه‌تنها نمی‌تواند این مناطق را سازماندهی کند، بلکه قطعا بغداد از حاکمیت خود بر این مناطق دست نخواهد کشید و این به معنی بروز خشونتی اجتناب‌ناپذیر در این مناطق است.

از طرف دیگر، اختلافات داخلی اقلیم کردستان نیز با کاهش منابع بیشتر خواهد شد که می‌تواند به‌راحتی به جنگ میان احزاب و گروه‌های مختلف بینجامد. بنا براین به نظر می‌رسد دولت اقلیم کردستان حداقل برای اجتناب از درگیری‌ها در مواضع خود تجدیدنظر کند. در منطقه‌ای که تنش‌ها بالاست و اسلحه به‌وفور یافت می‌شود برای اجتناب از درگیری راهی جز مذاکره وجود ندارد.

منبع: open democracy